



« زندگی از منظر سوره فتح:

جلسه پنجم - ۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

« سورة فتح » :

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ
لِيَزِدُّوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ
وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (فتح/٤)

اوست که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرستاد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند
و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست و خدا دانای سنجیده‌کار است.

« سَكِينَة » چيست؟

« **سکینه** » هر چیز « **ثابتی** » است که عامل:
« **استقرار و طمأنینه و آرامش** » است،
و « **هر اضطراب و تشویشی** » را
کاملاً از بین می‌برد.

اگر مذهبی‌ها به « محتوای ۸۹ آیه » که با:
« **یا ایها الذین آمنوا** »، شروع می‌شود عاقلانه « **عمل** » کنند،
تا به « **باورِ ثابتِ قلبی** » برسند و « مؤمن حقیقی » شوند،
خداوند « آرامش پایدار » را در هر شرائطی در قلبِ آنان جاری،
و ایمانشان را « به روزرسانی و عمیق و گسترده » می‌کند،
تا در هیچ شرائطی دچارِ « شک و تردید و تزلزل » نشوند.

فرقِ « ساکن با راکد با ساکت » چیست؟



« آبِ دریاچه خزر »، « **تلاطم** » دارد،
اما « **جریان** » ندارد لذا « **راکد** » است.





و « آب رود»، «**تلاطم**» ندارد،
اما «**جریان**» و «**سکون**» دارد.

« **راکد** » یعنی:

« داد و ستد » و « **جریان** نداشتن. »

« **ساکن** » یعنی:

« **جاری** ¹⁸ بودنِ » اما « **متلاطم** نبودن »:

وَمِنْ آيَاتِهِ

أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا

لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا ... (روم/٢١)

فرق « سکوت » با « انصات » چیست؟

« سکوت » یعنی:

« سخن نگفتن ».

« ایست قلب و مغز از فعالیت = سکته »،

و « فروکش کردن غضب »:

وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ

أَخَذَ اللَّوْحَ (أعراف/ ١٥٤)

و چون خشم موسی فرو نشست
الواح را (از زمین) برداشت ...

« **ذهن** » انسان در حالِ « **سکوت** »،
معمولاً به « **وهم** و **خیال‌بافی** » مشغول است،
آنقدر که شاید اصلاً چیزی را « **نشنود** »،
و معمولاً « **فردِ ساکت** »، « **بی‌توجه** » است،
و یا با « **سکوت** »، خود را به « **گری** » می‌زند.

امّا « **إنصّات** » یعنی (نوشتن):

« **إدّعا** و **پیشداوری** و **واکنش** **نداشتن** »،

و « **دقّت** و **عطشِ فراگیری** **داشتن** »،

و با شنیدنِ « **قرائت** »، « **قاری** شدن »:

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ **الْقُرْآنَ** (؟)

فَلَمَّا حَضَرُوهُ **قَالُوا: أَنْصِتُوا**

فَلَمَّا **قُضِيَ**، وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ **مُنْذِرِينَ** (أحقاف/۲۹)

و چون گروهی از جن را به نزد تو روانه کردیم تا (قرائت) قرآن را بشنوند،

پس چون بر آن حاضر شدند (به یکدیگر) گفتند: « با دقت گوش دهید »،

و چون (قرائت تو) تمام شد، (خودشان قاری شدند و) « **انذار دهنده** » به نزد قومشان بازگشتند.

چرا « أنزل ماضی و لیزدادوا آینده » است؟

هُوَ الَّذِي **أَنْزَلَ** السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

لِيَزِدُّهُمْ إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ ... (فتح/٤)

« دانه » را امروز در « خاک » می گذارند،

تا فردا « رشد » و « ظهور » پیدا کند،

سکینه²⁷ « باور » را « بارور » و به « جریان » می اندازد.

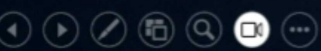
«ایمان» یعنی چه؟

« ایمان » یعنی:

قبولِ « خالقیت و مالکیت و ربوبیتِ خدا »

و « مخلوقیت و فقر و نیازمندیِ خود »،

و « حسابرسیِ دقیقِ آخرت » را باور کردن.



«انواع ایمان» کدامند؟

« ایمان »، « دو نوع » است:

اول: « ایمانِ جاهلانه »،

دوم: « ایمانِ عاقلانه. »

« ايمانِ جاهلانہ »:

فردِ « **جاهل** و خودخواه و **کافر** »،

« **عقل** » و « **خالقِ** خود » را قبول ندارد،

اما هر « **مخلوق** و هر **متکبر** و هر **طغیانگر** »،

و هر « **سرابی** » را « **باور** » و به او دل می‌دهد:

... أَفَبِاطِّبَالٍ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ
(نحل/۷۲)(عنکبوت/۶۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ
يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ ... (نساء/۵۱)

آیا آنها که سهمی از کتاب داشتند را ندیده‌ای که متکبر و طغیانگر را باور می‌کنند؟



« ايمانِ عاقلانه »:

انسانِ « **عاقل** »،

« **خدا** و **آخرت** و مجموعهٔ **نبوت** »،

و در حال « **آزمایش** » بودنِ خود را باور دارد،

و از هر « **خطری** » به خدا « **پناه** » می‌برد:

... **أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** (١) **مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ** (٢)

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (٣) وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (٤)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (٥)

.. **أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ** (١) ... **مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ** (٤)

الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (٥)



برخی از « خصوصیاتِ مؤمنان »:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَ إِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ
إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ... (نور/٦٢)
إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا
وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ... (حجرات/١٥)
لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ (آل عمران/٢٨)

«ایمان» چگونه «زیاد» می شود؟

یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا:

با رعایت این « ۸۹ آیه »، « ایمان به روزرسانی » و « زیاد » می شود:

لا تَقُولُوا ...، اسْتَعِينُوا ...، کُلُوا ...، کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِصَاصُ ...، کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَّامُ ...، ادْخُلُوا ...، اَنْفَقُوا مِمَّا ...،
لا تَبْطُلُوا ...، اَنْفَقُوا مِنْ ...، اتَّقُوا ...، اِذَا تَدَايَنْتُمْ ...، اِنْ تُطِيعُوا ...، اتَّقُوا ...، لا تَتَّخِذُوا ...، لا تَأْكُلُوا الرِّبَا ...،
اِنْ تُطِيعُوا ...، لا تَكُونُوا ...، اصْبِرُوا ...، لا یَحِلُّ لَکُمْ ...، لا تَأْكُلُوا اَمْوَالَکُمْ ...، لا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ ...،
اطِيعُوا ...، خُذُوا حِذْرَکُمْ ...، اِذَا ضَرَبْتُمْ ...، کُونُوا قَوَّامِینَ ...، اٰمِنُوا ...، لا تَتَّخِذُوا ...، اَوْفُوا ...، لا تُحِلُّوا ...،
اِذَا قُمْتُمْ ...، کُونُوا قَوَّامِینَ ...، اذْكُرُوا ...، اتَّقُوا اللّٰهَ ...، لا تَتَّخِذُوا ...، مِنْ یُرْتَدِّ ...، لا تَتَّخِذُوا ...،
لا تَحْرَمُوا ...، اِنَّمَا الْخَمْرُ ...، لَیْبِلُونَكُمْ ...، لا تَقْتُلُوا ...، لا تَسْأَلُوا ...، عَلَیْکُمْ اَنْفُسَکُمْ ...، شَهَادَةٌ ...،
اِذَا لَقِیْتُمْ ...، اطِيعُوا ...، اسْتَجِیْبُوا ...، لا تَخُونُوا ...، اِنْ تَتَّقُوا ...، اِذَا لَقِیْتُمْ ...، لا تَتَّخِذُوا ...،
اِنَّمَا الْمَشْرُکُونَ ...، اِنْ کَثِیرًا ...، مَا لَکُمْ ...، اتَّقُوا ...، قَاتِلُوا ...، ارْکَعُوا ...، لا تَتَّبِعُوا ...، لا تَدْخُلُوا ...،
لَیْسَتْ اَذْنُکُمْ ...، اذْكُرُوا ...، اذْكُرُوا ...، اِذَا نَكَحْتُمْ ...، لا تَدْخُلُوا ...، صَلُّوا ...، لا تَكُونُوا ...، اتَّقُوا ...،
اِنْ تَنْصُرُوا ...، اطِيعُوا ...، لا تَقْدَمُوا ...، لا تَرْفَعُوا ...، اِنْ جَاءَکُمْ ...، لا یَسْخَرُ ...، اجْتَنِبُوا ...، اتَّقُوا ...،
اِذَا تَنَاجَیْتُمْ ...، اِذَا قِیلَ ...، اِذَا نَاجِیْتُمْ ...، اتَّقُوا ...، لا تَتَّخِذُوا ...، اِذَا جَاءَکُمْ ...، لا تَتَّوَلَّوْا ...، لِمَ تَقُولُونَ ...،
هَلْ اَدْلَکُمْ ...، کُونُوا اَنْصَارَ ...، اِذَا نُودِیَ ...، لا تُلْهِکُمْ ...، اِنْ مِنْ اَزْوَاجِکُمْ ...، قُوا اَنْفُسَکُمْ ...، تَوْبُوا ...،

حضرتِ امیر المؤمنین صلوات اللہ علیہ می فرماید:

عِبَادَ اللَّهِ؛

زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا
وَحَاسِبُوهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا
(خطبہ ۹۰۰)

چرا «هیچ مالک» و حتی «مستأجری»،

به دیگران «إجازة نمی دهد» که

«بدون إجازة او»،

وارد «خانه» یا «باغ» او شوند؟

برای اینکه « افراد بشر » بتوانند

خود را به درستی « **ارزیابی** » و « **محاسبه** »،

و « **موقعیتِ دنیوی** » خود را « **إصلاح** »،

و « **سرانجامِ آخرتی** » خود را از « اینجا » ببینند،

« **قرآن** » این « معیارِ اصلی » را مطرح می‌کند:

می فرماید:

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ،

فَمِنْكُمْ كَافِرٌ

وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ ... (تغابن/۲)

اوست آنکه شما را آفرید اما برخی از شما به او کافر و برخی به او مؤمنند ...

پس « ما » با این معیار مهم:

یا « خالقیت و مالکیت و رازقیتِ خدا » را

عقلانه و عالمانه « قبول » داریم،

و « همهٔ ابعاد زندگی » خود را مؤمنانه،

مطابق « نظرِ او » و با « اِذنِ او » تنظیم می‌کنیم،

و یا جاهلانه و لجوجانه، «هیچ کاری» به

«خالق و مالک و رازقِ خود»، «نداریم»،

و «همهٔ ابعادِ زندگی» خود را

مطابقِ «نظرِ خود» یا «نظرِ دیگران» می‌سازیم،

و هر کاری که «دلمان بخواهد» انجام می‌دهیم.

پس « همهٔ افراد بشر »:

یا « اسیرِ حواس و هوس و خواهش‌های نفسانی »،

و از « **گروهِ خودخواهان** » هستیم،

و یا « تابعِ رسول باطنی و رسولانِ ظاهری »،

و در « **گروهِ خداخواهان** » قرار داریم. ⁴⁸

« احتمالِ بی‌ایمانیِ ما » چقدر است؟

خواب و غفلت و لجاجت بشر آنقدر است که قرآن می‌فرماید:

... وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

لَا يُؤْمِنُونَ

(رعد/۱)(هود/۱۷)(غافر/۵۹)

لذا خداوند برای بیداریِ ما از ما «می پرسد»:
**أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ
وَلَمْ يَكُ شَيْئًا؟** (مریم/۶۷)

آیا انسان به یاد نمی آورد که ما او را قبلاً آفریدیم،
در حالی که هیچ چیزی نبود؟

فرقِ « کافر با مؤمن » چیست؟

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا **بَاطِلًا**،
« **كافر** »: ذَلِكَ **ظَنُّ** الَّذِينَ **كَفَرُوا** ... (ص/٢٧)

« **مؤمن** »: الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ ... وَ يَتَفَكَّرُونَ ...

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا **بَاطِلًا سُبْحَانَكَ** ... (آل عمران/١٩١)

... بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
اتَّبِعُوا الْبَاطِلَ

وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا

اتَّبِعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ ... (محمد/٣)

« مؤمن »:

... يُطِيعُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ... (١٣)

« كافر »:

... يَعْصِي اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ ...

(آل عمران/١٤)

« كافر »:

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ،

اشْمَازَتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ... (زمر/٤٥)

« مؤمن »:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (انفال/٢)



« كافر »:
 ١- لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا
 ٢- وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 ٣- وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا
 ٤- وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (٧)

« مؤمن »:
 آمَنُوا
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

(يونس/٩)

اللَّهُ وَلِيّ الَّذِينَ آمَنُوا

يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ لَهُمُ الطَّاغُوتُ

يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ (بقره/٢٥٧)





« سرانجام » همه مردم در قیامت:

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ (١٥)

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ

فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (روم/١٦)

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ **آمَنُوا** وَ **عَمِلُوا** الصَّالِحَاتِ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ... (محمد/١١)

وَالَّذِينَ **كَفَرُوا** يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ
وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ (محمد/١١)



پس «بہترین و بدترین» مردم کدامند؟

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ ...
أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (٦)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ... (بينه / ٨)

منظور از « **جنود** آسمان‌ها و زمین » چیست؟

همه عناصر جهان و همه اجزاء بدن انسان،
مأمورین مقتدر و مطیع الهی هستند،
و «هیچ جن و انس و شیطان و عنصری»
از **«إشرافِ علمی الهی»** بیرون نیست:

أَعْضَاؤُكُمْ شُهُودُهُ
وَجَوَارِحُكُمْ جَنُودُهُ
وَضَمَائِرُكُمْ عِيُونُهُ
وَخَلَوَاتُكُمْ عِيَانُهُ (خطبه ۱۹۹)

زیرا اندامتان گواهان اویند و اعضای بدنانتان لشکر او
و ضمایرتان جاسوسان او و پنهانتان بر او آشکار است.

چرا «علیم حکیم بودنِ خدا را باید» بدانیم؟

همه حوادث جهان،

عالمانه، حکیمانه، دقیق و در زمانِ مناسب رخ می‌دهند،

و هیچ رخدادِ طبیعی، بی‌حکمت، عبث و لغو نیست،

و ظلم، زشتی، بی‌عدالتی، ناأمنی و فسادِ در زمین،

از عملکرد غیر عاقلانه و خودخواهانهٔ افراد بشر است.

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ

لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (روم/۴۱)

به خاطر « کسب » مردم، فساد در خشکی و دریا نمایان شده

تا⁷⁰ (نتیجه) بعضی از رفتار آنها را به آنها بچشانند، باشد که بازگردند.

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا
مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ (فاطر/٤٥)

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ
مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ (نحل/٦١)

رَبطِ «أَنْزَالِ سَكِينَةٍ» بِ«فَتْحٍ» چيست؟

۱- « لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ »، ۲- « وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ »،

۳- « وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا » (۲)

۴- وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ ... (فتح/۳)

« فتح » را برای « إِمَامِ أُمَّتِ »،

و « سَكِينَهُ » را برای مردم محقق می‌سازد.

خدایا:

بر « **عقلانیّت** و **معرفت** و **ایمان** » بیفزاء،

تا « **نظامِ اسلامی** » تو را « **حمایت** » کنیم،

و از « **نصرتِ نجاتبخش** تو » برخوردار شویم،

و در « **ظهورِ آخرین حجّت** تو » نیز **سهمیم** باشیم.

